



Explaining Theistic Dimensions of *Infāq* in the Quran through Psychosocial Mechanisms: A Critique of Social Exchange Theory

Dr. Nematullah Firoozi



(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Theology, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Email: firoozi@imamreza.ac.ir

Reyhaneh Ghavipangeh



MA. Student, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Theology, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Abstract

Infāq (spending money), as a fundamental moral and social act in the holy Quran, not only has tangible external effects but also promises lasting peace. This article aims to explain the psychosocial mechanisms of *Infāq* on subjective well-being and to critique Social Exchange Theory. The main problem is the inadequacy of rational-exchange frameworks to explain theistic principles of *Infāq*, which are accompanied by the intention of “*ibtiqā’ wajhillāh*” (seeking the pleasure of God) and the promise of peace. The article method consists of qualitative content analysis of the verses, a critique of Social Exchange Theory, and integrating it with positive psychology and neuroscience. According to the results, Quranic *Infāq* is an intelligent and existential mechanism that is beyond mere financial transfer and enhances well-being through four pathways: 1) Transcendent meaning-making: transformation of the act into worship. 2) Emotional regulation: the reduction of negative emotions and activation of the brain’s reward system. 3) Social capital reinforcement: the generation of trust and solidarity. 4) Personality development and self-purification. The innovation of this study lies in proposing an integrative analytical framework of “Divine-Social Exchange” that overcomes the limitations of classical exchange theory and integrates material, social, psychological and transcendent dimensions of *Infāq*. The study reveals that the Quranic promise of tranquility is consistent with findings in psychology and neuroscience and can serve as a basis for designing psychotherapeutic interventions and social policymaking.

Keywords: Holy Quran, *Infāq*, Subjective well-being, Positive psychology, Social Exchange Theory



Authors retain the copyright. This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



تبیین ابعاد توحیدی اتفاق در قرآن با تکیه بر مکانیسم‌های روان‌شناختی-اجتماعی (نقدی بر نظریه مبادله اجتماعی)

(نویسنده مسئول) دکتر نعمت‌الله فیروزی



استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران

Email: firoozi@imamreza.ac.ir

ریحانه قوی پنجه



دانشجوی کارشناسی ارشد گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران

چکیده

اتفاق، به‌عنوان کنشی اخلاقی-اجتماعی بنیادین در قرآن کریم، افزون بر آثار ملموس بیرونی، وعده آرامشی پایدار را نیز به‌همراه دارد. این پژوهش با هدف تبیین مکانیسم‌های روان‌شناختی-اجتماعی اتفاق بر بهزیستی ذهنی و با نقد نظریه مبادله اجتماعی انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش، ناتوانی چهارچوب‌های عقلانی-مبادله‌ای در تبیین مبانی توحیدی اتفاق است؛ مبانی‌ای که با نیت «إِيتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ» و وعده آرامش همراه است. روش پژوهش شامل تحلیل محتوای کیفی آیات، نقد نظریه مبادله و تلفیق آن با روان‌شناسی مثبت‌نگر و علوم اعصاب است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتفاق قرآنی، مکانیسمی هوشمند و وجودی فراتر از انتقال مالی است که از چهار مسیر بهزیستی را محقق می‌سازد: ۱. معنابخشی متعالی: تبدیل کنش به عبادت، ۲. تنظیم هیجانی: کاهش هیجانات منفی و فعال‌سازی سیستم پاداش مغز، ۳. تقویت سرمایه اجتماعی: ایجاد اعتماد و هم‌بستگی، ۴. رشد شخصیتی و تزکیه نفس.

نواوری پژوهش، ارائه چهارچوب تحلیلی تلفیقی «مبادله الهی-اجتماعی» است که محدودیت‌های نظریه مبادله کلاسیک را پوشش داده و ابعاد مادی، اجتماعی، روانی و متعالی اتفاق را یکپارچه می‌سازد. این مطالعه نشان می‌دهد وعده قرآنی آرامش با یافته‌های روان‌شناسی و علوم اعصاب همسویی دارد و می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات روان‌درمانی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اتفاق، بهزیستی ذهنی، روان‌شناسی مثبت‌نگر، نظریه مبادله اجتماعی.

مقدمه

در جهان معاصر که با چالش‌های فزاینده سلامت روان، احساس پوچی و گسست اجتماعی روبه‌روست، جست‌وجو برای یافتن راهکارهای پایدار بهزیستی ذهنی به یکی از دغدغه‌های علوم انسانی و اجتماعی تبدیل شده است. در این میان، «انفاق» به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی اخلاقی-اجتماعی در قرآن کریم، نمونه‌ای بدیع و غنی برای کاوشی عمیق‌تر به شمار می‌رود. قرآن کریم در آیه شریفه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ با وعده‌ای شگرف، پیامد این عمل را «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» می‌خواند؛ بیانی که به‌روشنی از رهایی از اضطراب و افسردگی، دو اختلال شایع عصر حاضر و رسیدن به آرامشی پایدار حکایت دارد.

رفتارهایی مانند انفاق در علوم اجتماعی کلاسیک عمدتاً با چهارچوب نظریه مبادله اجتماعی تحلیل می‌شوند. این نظریه با فرض عقلانیت حداکثرکننده سود، کنش انسان را در قالب محاسبه هزینه‌ها و پاداش‌های ملموس و ناملموس تبیین می‌کند. اگرچه این رویکرد می‌تواند لایه‌هایی از انفاق را توصیف کند؛ اما در تبیین ژرفای معنوی و وجودی این کنش ناتوان است. این ناتوانی به‌ویژه در مواجهه با تأکید قرآن بر نیت الهی «إِيتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»^۲ آشکار می‌شود. انفاق قرآنی، فراتر از مبادله‌ای اقتصادی، یک «عبادت» و «قربت» است که پاداش غایی آن، آرامشی درونی و رشد شخصیتی است. نقص مذکور نشان‌دهنده خلئی نظری است: فقدان چهارچوبی که بتواند هم بُعد محاسباتی-اجتماعی و هم بُعد متعالی-معنوی کنش‌های ایثاری را توأمان توضیح دهد. ازسوی دیگر، ظهور روان‌شناسی مثبت‌نگر که بر عوامل شکوفایی، معنا و هیجانات مثبت تمرکز دارد، ابزار مفهومی قدرتمندی برای فهم «حال خوب» فراهم آورده است اما کاربست نظام‌مند آن در تحلیل متون دینی و پیوندش با نظریه‌های جامعه‌شناختی همچنان محدود است.

پژوهش حاضر درصددِ پرکردن این خلأ مطالعاتی از طریق ارائه چهارچوبی تحلیلی-تلفیقی است. پرسش اصلی این است که تبیین مبانی «انفاق توحیدی» بر «بهزیستی ذهنی» با محوریت وعده قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» — چگونه بر پایه نظریه «مبادله اجتماعی» و «روان‌شناسی مثبت‌نگر»، قابلیت تبیین و بررسی تطبیقی دارد؟

در خصوص پیشینه موضوع باید گفت: مطالعات مرتبط با پژوهش در دو محور اصلی بررسی می‌شود:
أ. مطالعات قرآنی: مطالعاتی مانند تحقیق خاکپور، اجنگان و لطفی (۱۳۸۸) با عنوان «نقش انفاق در

۱. بقره: ۲۶۲.

۲. بقره: ۲۷۲.

سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات» نشان می‌دهند که اتفاق علاوه بر تأثیرات مادی، منجر به تقویت سلامت معنوی، افزایش شادکامی و کاهش رذایلی مانند بخل می‌شود. همسو با این یافته، احمدی بیغش (۱۳۹۸) به تأثیر نیکوکاری بر هر دو ساحت سلامت روان دنیوی و سعادت اخروی پرداخته است. در حیطه معناشناسی، راستگو و طائرین (۱۴۰۱) با استفاده از نظریه تحلیل مؤلفه‌ای به تبیین ابعاد معنایی اتفاق در بافت قرآنی پرداخته‌اند. ازسوی دیگر، پژوهش گرامی و جعفری (۱۳۹۸) با رویکرد انگیزشی، محرک‌های درونی اتفاق مانند «اِتِّغَاءُ وَجْهِ اللَّهِ» را در تفسیر میزان بررسی کرده‌اند. در بُعد کاربردی نیز مطالعاتی مانند پژوهش مسعودی‌پور (۱۳۹۷) و میرصابری و خزعلی (۱۴۰۲) به ترسیم الگوهای برای ترویج عملی این فضیلت اخلاقی-اجتماعی اهتمام ورزیده‌اند.

ب. مطالعات روان‌شناختی و عصب‌شناختی: شواهد تجربی در روان‌شناسی و علوم اعصاب، پیوند بین رفتارهای نیکوکارانه و سلامت روان را تأیید کرده‌اند. برای نمونه، حسنونند (۱۴۰۱) نشان داده است که اتفاق مالی می‌تواند عاملی مؤثر در کاهش اختلالات روانی باشد. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های عصب‌شناختی، سازوکارهای این تأثیر را روشن ساخته‌اند. مطالعه پارک و همکاران (۲۰۱۷م) با استفاده از تصویربرداری کارکردی مغز نشان داد که رفتارهای نوع‌دوستانه، مناطق پاداش مغز را فعال کرده و احساس شادی را افزایش می‌دهند. به‌طور مشابه، هاربا، مایر و برگارت (۲۰۰۷م) دریافتند که بخشش داوطلبانه منجر به فعال‌سازی دستگاه پاداش مغز می‌شود؛ یافته‌ای که گویای ارزش ذاتی بخشش و نقش آن در تقویت هیجانات مثبت است.

علی‌رغم آثار موجود، خلأ مطالعه تلفیقی و عمق‌بخشی به آن وجود دارد. ازاین‌رو پژوهش با هدف پرکردن خلأهای مطالعات پیشین و با امتیاز تلفیق سه‌گانه از مطالعات قرآنی، نظریه مبادله اجتماعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر طراحی شده است. نوآوری مطالعه در چند محور بیان‌شدنی است: **أ.** با پذیرش انتقادی نظریه مبادله اجتماعی، آن را با مفاهیم معنایی قرآنی پیوند زده و مدل «مبادله الهی-اجتماعی» را به‌عنوان چهارچوبی کامل‌تر پیشنهاد می‌دهد؛ **ب.** با تلفیق نظام‌مند مطالعات تفسیر قرآنی، نظریه مبادله اجتماعی (با رویکردی انتقادی) و مدل پنج‌بعدی بهزیستی، رویکردی بدیع برای تحلیل پدیده اتفاق ایجاد می‌کند؛ **ج.** نشان می‌دهد که چگونه اتفاق از طریق چهار مکانیسم به‌هم‌پیوسته معنابخشی متعالی، تنظیم هیجانات، تقویت روابط و سرمایه اجتماعی و رشد شخصیتی، مسیر روانی، شناختی و اجتماعی را برای تحقق «حال خوب» پایدار فعال می‌سازد؛ **د.** با نشان‌دادن همسویی بین وعده قرآنی آرامش و یافته‌های نوین علوم اعصاب و روان‌شناسی، الگویی برای گفت‌وگوی سازنده بین دین و علوم انسانی ارائه می‌دهد. در این مسیر، چهارچوب تحلیلی نوینی با عنوان «مبادله الهی-اجتماعی» پیشنهاد می‌شود. در این الگو،

اتفاق کنشی عقلانی-معنوی تحلیل می‌شود که با سرمایه‌گذاری اولیه، فرد را به «پاداش‌های چندلایه» (شامل مقبولیت الهی، آرامش درونی، تحکیم پیوندهای اجتماعی و برکت مادی) و درنهایت، به تحقق وعده قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» رهنمون می‌سازد. این تحقیق علاوه بر تبیین سازوکارهای این اثر با پشتوانه یافته‌های تجربی، از راه ادغام مفاهیم معنوی مانند «اخلاص» و «اجر اخروی»، به غنی‌سازی نظریه مبادله اجتماعی می‌پردازد. یافته‌ها می‌تواند پایه‌ای برای برنامه‌های کاربردی در حوزه‌های تربیتی، روان‌درمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی باشد و گامی به‌منظور پیوند حکمت دینی با دانش نوین بردارد.

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی-نظری است؛ زیرا در پی تبیین نظری پدیده‌ای دینی-روان‌شناختی و ارائه چهارچوب تحلیلی نوین است. از نظر ماهیت و روش نیز کیفی-تحلیلی با رویکرد تلفیقی است. رویکرد تلفیقی بدین معناست که پژوهش از ترکیب سه منظر متفاوت؛ یعنی مطالعات قرآنی-تفسیری، نظریه مبادله اجتماعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر برای ساختن چهارچوبی جدید بهره می‌جوید. این رویکرد در علوم انسانی و به‌ویژه در مطالعات بین‌رشته‌ای دین و روان‌شناسی از اعتبار زیادی برخوردار است، زیرا پدیده‌های دینی ذاتاً چندبعدی هستند و تحلیل تک‌بعدی قادر به تبیین کامل آن‌ها نیست.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش از سه مسیر اصلی صورت گرفته است: ۱. تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم که در آن آیات مرتبط با اتفاق به‌ویژه ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره، ۱۰۳ توبه و ۱۶ تغابن بررسی شده‌اند که معیار انتخاب، محوریت در بحث اتفاق و پیامدهای روانی-اجتماعی آیات شریفه بوده است؛ ۲. نقد و تحلیل متون تفسیری شیعه و سنی، از جمله المیزان، مجمع البیان و کشاف استفاده شده است؛ ۳. بررسی و تحلیل نظریه‌های علمی معاصر که مبتنی بر نظریه مبادله اجتماعی (با تأکید بر آثار هومنز، بلاو و آدامز) و روان‌شناسی مثبت‌نگر (با تمرکز بر مدل پنج‌بعدی سلیگمن) انجام پذیرفته است.

تحلیل داده‌ها در سه مرحله صورت گرفته است: در مرحله نخست، براساس تحلیل محتوای کیفی آیات و تفاسیر، مضامین استخراج شده از آیات مانند «اجر الهی»، «برکت»، «خوف و حزن»، «تزکیه» و «قربت»، شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند؛ در مرحله دوم، نقد نظریه مبادله اجتماعی و محدودیت‌های آن در تبیین اتفاق قرآنی بررسی شده است؛ در مرحله سوم، با بهره‌گیری از روان‌شناسی مثبت‌نگر و مفاهیم قرآنی، چهارچوب تلفیقی «مبادله الهی-اجتماعی» طراحی و تبیین شد.

این فرایند تحلیلی، به‌صورت استقرایی-قیاسی (از آیات به مفاهیم کلی و بازگشت به تبیین جزئی) شکل گرفته است. برای افزایش اعتبار پژوهش، از روش مثلث‌سازی بهره گرفته شده است؛ یعنی از منابع متعدد (آیات، تفاسیر شیعه و سنی، نظریه‌های علمی) برای تأیید یافته‌ها استفاده شده و افزون بر آن، انتقال‌پذیری با توصیف دقیق فرایند پژوهش و زمینه آن امکان‌پذیر شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش، مفاهیم کلیدی براساس منابع قرآنی، تفسیری و روان‌شناختی تنظیم شده‌اند تا پایه‌ای محکم برای تحلیل فراهم سازند.

۱.۱. انفاق

واژه «انفاق» از ریشه ثلاثی مجرد «ن-ف-ق» گرفته شده است. این ریشه در زبان عربی، به معنای اصلی «خرج کردن مال» است و همچنین بر «گذرگاه» یا «سوراخی که جانورانی مانند موش از آن بیرون می‌آیند» (نَفَقَ الْفَارُ) دلالت دارد.^۳ در منابع لغوی، عبارت «نَفَقَ الزَّادُ نَفَقًا» به معنای تمام شدن توشه و زاد به کار رفته است.^۴ همچنین «نَفَقَتِ الدَّابَّةُ» به معنای مردن و خارج شدن روح حیوان است.^۵ این معانی محوری، همگی بر مفهوم «خروج از ملکیت یا حالت پیشین» دلالت دارند. براین اساس، «انفاق» در اصل به معنای «اخراج مال از ملک شخصی» است.^۶ این خروج می‌تواند از طریق فروش، مصرف، بخشش یا هرگونه انتقال دیگر صورت پذیرد.

پیوند معنایی بین این دو معنا حائز توجه است؛ زیرا انفاق، عملی است که در آن مال از ملکیت شخص خارج و به سمت دیگری روانه می‌شود، همانند خروج از یک گذرگاه. در اصطلاح قرآنی، انفاق مفهومی فراتر از بخشش مالی صرف دارد و به «هرگونه هزینه کردن اختیاری و آگاهانه در راه خداوند، اعم از واجب (مانند زکات و خمس) یا مستحب (مانند صدقه و وقف)» تعریف می‌شود.^۷ این تعریف هم واجبات مالی و هم مستحبات را در بر می‌گیرد.^۸ برخی تفاسیر، دایره این مفهوم را گسترده‌تر دانسته و بخشش علم، آبرو، مقام و هر نیکی را نیز شامل می‌شوند.^۹ از این رو، قرآن کریم انفاق را کنشی اخلاقی، اجتماعی و معنوی یکپارچه معرفی می‌کند که وعده پاداش‌های دنیوی و اخروی را به همراه دارد.

مفهوم اجتماعی و تقابل با نفاق: از منظری دیگر، انفاق از همان ریشه «نَفَقَ» به معنای شکاف گرفته شده و مفهوم آن پرکردن شکاف‌هاست. این نگاه، انفاق را عملی برای پرکردن حفره‌های اجتماعی و جلوگیری از اضمحلال و فروپاشی جامعه می‌داند. براین اساس، شناخت دقیق ضد آن، یعنی «نفاق» (که به ایجاد شکاف و دوگانگی در جامعه می‌پردازد) برای درک کامل «انفاق» ضروری است. انفاق، هموارکردن

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۰۵/۵.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ۲۴۱/۵.

۵. قرشی، قاموس قرآن، ۹۷/۷.

۶. قرشی، قاموس قرآن، ۹۷/۷.

۷. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۷/۲.

۸. راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۳۸۵/۳؛ قرشی، قاموس قرآن، ۹۸/۷.

۹. قرآنی، تفسیر نور، ۴۳۴/۱.

راه‌هایی است که منافقان با ایجاد گودال‌های فساد و فریب در فضای جامعه به وجود می‌آورند. بنابراین، انفاق در این کلام، پُرکردن دَرّه‌های نفاق و فریب برای نجات انسان از سقوط در آن‌ها و رهایی از نابودی است.^{۱۰} این تلقی، کنش انفاق را در تقابلی سازنده با نیروهای تفرقه‌انگیز اجتماعی قرار می‌دهد.

آیه شریفه بر حکمی کلی و عمومی دلالت دارد که از کامل‌ترین مصادیق آن طبق روایات سبب نزول در منابع فریقین، امیرالمؤمنین(ع) دانسته شده است. این امر به زمانی اشاره می‌کند که ایشان چهار درهم را به چهار شیوه (شب، روز، پنهان و آشکار) انفاق کردند.^{۱۱} عموم مفسران تأکید دارند که حکم و مدح آیه، عام است و هرکس به این صفت عمل کند، مشمول وعده الهی می‌شود.^{۱۲} این عمومیت، چهارچوب گسترده‌ای برای تحلیل‌های روان‌شناختی-اجتماعی فراهم می‌آورد.

انفاق در منظومه قرآنی، پدیده‌ای چندوجهی است که ابعاد عبادی (تقرب به حق)، اجتماعی (تعادل میان طبقات)، اخلاقی (تزکیه نفس) و جامعه‌شناختی (پیشگیری از تفرقه) را در بر می‌گیرد. این ابعاد درهم‌تنیده که در ریشه لغوی خود بر معنای «خروج و صرف مال برای هدفی متعالی» استوارند، زیربنای مفهومی لازم برای واکاوی سازوکارهای تأثیرگذاری انفاق بر بهزیستی ذهنی را فراهم می‌آورند.

۲.۱. پاداش (در نظریه مبادله اجتماعی و قرآن)

از منظر لغوی، واژه «پاداش» به معنای جزا و مکافات نیکی به کار رفته است؛ هرچند برخی آن را معنایی عام‌تر و دربرگیرنده هر نوع مکافات (اعم از نیک و بد) دانسته‌اند.^{۱۳} این گستره معنایی نشان می‌دهد که مفهوم پاداش در بستر فرهنگ زبانی، ماهیتی دوسویه داشته و همواره بر اصل تناسب و بازتاب عمل استوار بوده است. در تحلیل مفردات قرآن کریم، تمایز معنایی مهمی بین دو کلیدواژه اجر و جزا مشهود است. واژه «أَجْر» در آیه شریفه مذکور به طور خاص به مزد، ثواب و پاداشی اطلاق می‌شود که در مقابل عمل نیک به انسان عطا می‌شود،^{۱۴} درحالی که «جزاء» هم در عمل خوب و هم در عمل بد استعمال می‌شود. این «اجر» می‌تواند هم برای کار دنیوی و هم برای کار اخروی در نظر گرفته شود.^{۱۵} در مقابل، «جزاء» به معنای پاسخی متناسب و متعادل در برابر هر عملی (اعم از نیک و بد) است و از ویژگی «کفایت و بسندگی» برخوردار است.^{۱۶}

۱۰. سلطانی، سیمای انفاق در قرآن.

۱۱. طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۳۵۷/۱-۳۵۸؛ سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۳/۱.

۱۲. آلوسی، روح المعانی، ۴۶/۲.

۱۳. برهان، فرهنگ فارسی برهان قاطع، ۱۷۹؛ دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ۵۳۷.

۱۴. قرشی، قاموس قرآن، ۲۵/۷.

۱۵. راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۱۵۱/۱.

۱۶. قرشی، قاموس قرآن، ۲۵/۷.

پاداش در نظریه مبادله اجتماعی: در چهارچوب نظریه مبادله اجتماعی، پاداش به هر نتیجه مطلوبی (اعم از ملموس یا ناملموس) اطلاق می‌شود که فرد از یک رابطه به دست می‌آورد.^{۱۷} این تعریف، پاداش را درون چهارچوبی عقلانی، محاسبه‌گرانه و مبتنی بر حداکثرسازی سود فردی محدود می‌سازد. در این نظام، پاداش می‌تواند در قبال کنش‌های مثبت یا حتی منفی (در صورتی که نتیجه برای کنشگر مطلوب باشد) در نظر گرفته شود. این نگاه، با منظومه ارزشی قرآن و تمایز بنیادین میان «اجر» و «جزاء» تفاوت ماهوی دارد. **نظام چندلایه و متعالی پاداش در گفتمان قرآنی اتفاق:** در نظام انفاق قرآنی، «اجر» به‌عنوان پاداش عمل نیک، دارای سطوح چندگانه، ابعاد متنوع و کیفیتی کاملاً متمایز است. برخلاف نظریه مبادله که پاداش را نتیجه‌ای احتمالی تلقی می‌کند، قرآن کریم با به‌کارگیری حرف «فاء» در آیات محوری (مانند «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ»)، بر رابطه سببیت قطعی و تضمین‌شده میان عمل انفاق و استحقاق «اجر» تأکید می‌ورزد.^{۱۸} ابعاد این «اجر» یا پاداش الهی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. **اجر مادی (برکت و تضاعف):** این بُعد شامل وعده «برکت» و افزایش در مال و روزی می‌شود. مفهوم برکت، فراتر از افزایش صرفاً کمی است و به «رشد، ثبات، خیر فراوان و اثرگذاری پایدار» در زندگی دلالت دارد.^{۱۹}

۲. **اجر اجتماعی (اعتبار و پیوند):** این سطح از پاداش، کسب احترام، تقویت هم‌بستگی اجتماعی و افزایش اعتماد متقابل را در بر می‌گیرد. انفاق عادلانه، فرد را در شبکه اجتماعی به‌عنوان عضوی مفید، مورد اعتماد و سازنده تثبیت می‌کند.^{۲۰}

۳. **اجر روانی-معنوی (آرامش و تزکیه):** این بُعد، والاترین و متمایزترین سطح پاداش قرآنی است که نظریه‌های مبادله با رویکرد مادی‌گرا قادر به تبیین کامل آن نیستند. این «اجر» شامل آرامش درونی پایدار (تحقق وعده «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ») و همچنین خود فرایند تزکیه نفس می‌شود. چنین آرامشی، ریشه در امنیت وجودی ناشی از اطمینان به وعده الهی (عِنْدَ رَبِّهِمْ) دارد.^{۲۱}

مهم‌ترین تمایز نظام «اجر» در قرآن، مشروط‌بودن آن به «نیت قربت» و جدایی‌ناپذیری پاداش از ذات عمل نیک است. در میان انواع اجر، اجر روانی-معنوی (آرامش و تزکیه نفس) امری ذاتی و درونی است، به‌گونه‌ای که نفس عمل انفاق (به‌ویژه هنگامی که پنهان و خالصانه باشد) خود به منبعی مستقیم برای

Blau, Exchange and power in social life. ۱۷

۱۸. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷/۱۷.

۱۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲/۳۶۰.

۲۰. طباطبائی، المیزان، ۲/۵۸۴-۵۸۷.

۲۱. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۳/۳۴۷.

آرامش و کمال تبدیل می‌شود. این اجر با اجر مادی (برکت و تضاعف) و اجر اجتماعی (اعتبار و پیوند) متفاوت است؛ زیرا این دو نوع اخیر اگرچه وعده داده شده‌اند، اما بیرونی هستند و تابع مشیت و لطف الهی‌اند. در مقابل، اجر روانی-معنوی در لحظه عمل محقق می‌شود و نزد ضامنی مطلق (عِنْدَ رَبِّهِمْ) حفظ می‌شود که نه وعده خود را خلاف می‌کند و نه پاداش را تباه می‌سازد.^{۲۲} بنابراین «اجر» در نظام قرآنی، شبکه‌ای به هم پیوسته از برکت مادی، تحکیم اجتماعی، آرامش روانی و رشد معنوی است که راجع به محور رضایت الهی سازمان‌یافته و غایت نهایی آن، تحقق وعده آرامش کامل و رهایی از هراس و اندوه است.

۳.۱. بهزیستی ذهنی

دهخدا در تعریف این مفهوم به «بهتر زندگی کردن» و «اموری برای ارتقاء دادن وضعیت زندگی» اشاره می‌کند.^{۲۳} مدل شش‌عاملی «ریف»^{۲۴} چهارچوب جامعی برای درک ابعاد مختلف این بهزیستی روان‌شناختی ارائه می‌دهد. این مدل، سلامت روان را حاصل تلاش فرد برای محقق ساختن ظرفیت‌های درونی خود می‌داند و آن را به شش مؤلفه کلیدی تقسیم می‌کند:

۱. داشتن نگرشی مثبت نسبت به خود و گذشته؛^{۲۵} ۲. توانایی تصمیم‌گیری مستقل براساس معیارهای شخصی؛^۳ ۳. ظرفیت تعامل و حفظ روابط صمیمی و رضایت‌بخش؛^۴ ۴. دارا بودن اهداف روشن و درک معنای زندگی؛^۵ ۵. توانایی مدیریت مؤثر شرایط زندگی؛^۶ ۶. تمایل به رشد قابلیت‌های فردی و یادگیری مستمر.^{۲۵}

این مدل به عنوان یک چهارچوب نظری جامع، درک عمیق‌تری از سلامت روان و راه‌های ارتقای آن ارائه می‌دهد.^{۲۶}

در قرآن کریم مفهوم مذکور با عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۲۷} به شکلی دقیق و موجز بیان شده است. «خوف» به نگرانی و هراس از آینده و وقایع پیش‌رو (متناظر با مؤلفه اضطراب در عاطفه منفی) و «حزن» به اندوه و افسوس از گذشته و از دست‌رفته‌ها (متناظر با مؤلفه افسردگی در عاطفه منفی) اشاره دارد. بنابراین، وعده قرآنی، فقدان دو هیجان منفی کلیدی را تضمین می‌کند و با استناد به تفاسیر، زمینه‌ساز تجربه عاطفه مثبت و رضایت می‌شود. مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که بهزیستی ذهنی تحت تأثیر عوامل اجتماعی چون روابط متقابل و اعمال خیرخواهانه قرار دارد.

۲۲. سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۳۶۳/۱.

۲۳. دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ۴۸۳.

۲۴. Ryff.

۲۵. Ryff, M The structure of psychological well-being revisited.

۲۶. قیاسی، «مروری بر بهزیستی روان‌شناختی و نظریه‌های مختلف مرتبط با آن».

۲۷. بقره: ۲۷۴.

۲. چهارچوب نظری مبتنی بر تلفیق روان‌شناسی مثبت‌نگر و نقد نظریه مبادله اجتماعی

این بخش، چهارچوب نظری تلفیقی پژوهش را ارائه می‌دهد: نخست، نظریه مبادله اجتماعی و محدودیت‌های آن در تبیین اتفاق بررسی می‌شود و سپس با بهره‌گیری از روان‌شناسی مثبت‌نگر و آموزه‌های قرآنی، مدل «مبادله الهی-اجتماعی» به‌عنوان چهارچوب تحلیلی نوین پیشنهاد می‌شود. نظریه مبادله اجتماعی به‌عنوان چهارچوبی کلاسیک در علوم اجتماعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر (با تمرکز بر مدل مارتین سلیگمن) به‌عنوان چهارچوبی مکمل که بر رشد، معنا و شکوفایی انسان تأکید دارد.

رویکرد این مقاله، نقادانه و تلفیقی است؛ یعنی ضمن استفاده از مفاهیم نظریه مبادله اجتماعی، محدودیت‌های آن در تبیین کنش‌های معنوی را نشان می‌دهد و با بهره‌گیری از روان‌شناسی مثبت‌نگر، تحلیلی غنی‌تر و همخوان‌تر با ماهیت اتفاق قرآنی ارائه می‌دهد.

۲. ۱. نظریه مبادله اجتماعی: قابلیت‌ها و محدودیت‌ها در تبیین اتفاق

نظریه مبادله اجتماعی با ریشه در آثار هومنز (۱۹۵۸م) و بلاو (۱۹۶۴م)، از نظریه‌های پرنفوذ برای تحلیل رفتار انسان در بستر روابط متقابل است. هسته این نظریه بر عقلانیت کنشگران (گاه ناخودآگاه) برای حداکثرسازی پاداش‌ها (ملموس یا ناملموس) و حداقل‌سازی هزینه‌ها استوار است.^{۲۸} مفاهیمی مانند سطوح مقایسه^{۲۹} و تلفیق آن با نظریه برابری آدامز (۱۹۶۵م)، بر اهمیت عدالت ادراک‌شده در روابط تأکید می‌ورزد. این نظریه چهارچوبی اولیه برای تحلیل اتفاق ارائه می‌دهد؛ یعنی کنشی که در آن هزینه مالی اولیه با انتظار پاداش‌های چندلایه (مادی، اجتماعی و معنوی) همراه است. آیات قرآنی نیز به‌صراحت به این پاداش‌ها اشاره کرده‌اند، مانند آیات ۲۶۱ و ۲۷۴ سوره بقره. تأکید قرآن بر اتفاق از «طبیات» و نهی از «مَن و اَذی» با مفاهیم عدالت در این نظریه همخوانی دارد.

با این حال، کاربرد نظریه در تحلیل اتفاق قرآنی با محدودیت بنیادین روبه‌روست. انسان‌شناسی این نظریه، فرد را موجودی حسابگر و حداکثرکننده سود شخصی می‌داند، درحالی‌که اتفاق قرآنی با نیت خالص (إِيتَاءَ وَجْهِ اللَّهِ) ماهیتی متفاوت دارد. این عمل بیش از آنکه مبادله‌ای اقتصادی باشد، «عبادت»، «تزکیه نفس» و «ایثاری» است که غایت آن «قرب الهی» و پاداش نهایی آن آرامشی درونی (لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) است که در چهارچوب پاداش‌های متعارف اجتماعی نمی‌گنجد. بنابراین، نظریه مبادله اجتماعی به‌تنهایی برای تبیین ابعاد وجودی و معنوی اتفاق ناکافی است و نیازمند مکملی است که بر رشد،

28. Homans, Social behavior as exchange.

29. Thibaut & Kelley, The social psychology of groups.

معنا و شکوفایی انسان متمرکز باشد.

۲.۲. روان‌شناسی مثبت‌نگر و مدل نظریه پنج مؤلفه‌ای شادی پایدار

برای پرکردن این خلأ نظری، پژوهش به روان‌شناس مثبت‌نگر به عنوان مکملی اساسی روی می‌آورد. این شاخه، به رهبری سلیگمن، به جای تمرکز صرف بر آسیب‌شناسی، بر شناسایی و پرورش عواملی می‌پردازد که به شکوفایی و بهزیستی پایدار انسان منجر می‌شوند.^{۳۰} در این چهارچوب، سلامت روان تنها به فقدان بیماری محدود نیست؛ بلکه شامل عواملی مانند شادکامی، سازگاری و شکوفاسازی قابلیت‌ها نیز می‌شود.^{۳۱} سلیگمن در مدل خود پنج مؤلفه اساسی برای بهزیستی معرفی می‌کند:

احساسات مثبت: تجربه هیجاناتی مانند شادی، قدردانی و امید.

درگیری و جذب: حالت «غرقگی» در فعالیت‌های معنادار با استفاده از نقاط قوت فرد.

روابط مثبت: داشتن روابط عمیق و حمایتگر با دیگران.

معنا: تعلق و خدمت به امری بزرگ‌تر از خود.

دستآورد: پیگیری و کسب اهداف برای احساس کفایت و پیشرفت.

این مدل، چهارچوبی قدرتمند برای تحلیل اتفاق قرآنی فراهم می‌آورد. اتفاق، هم‌زمان چندین مؤلفه کلیدی این مدل را فعال می‌سازد: جست‌وجوی معنا (از طریق خدمت به خدا و خلق)، تحکیم روابط مثبت، ایجاد احساسات مثبت پایدار ناشی از کمک به دیگران و تقویت احساس دستآورد اخلاقی. بدین ترتیب، حتی به عنوان یک «هزینه» مادی اولیه می‌تواند به شکوفایی فردی بینجامد. وعده قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» نیز رهایی از هیجانات منفی و دستیابی به آرامشی را نشان می‌دهد که در پرتو این شکوفایی چندبعدی محقق می‌شود.

۲.۳. الگوی پیشنهادی: مبادله الهی-اجتماعی

این پژوهش با نقد نظریه مبادله اجتماعی و غنای روان‌شناسی مثبت‌نگر، چهارچوب تحلیلی تلفیقی «مبادله الهی-اجتماعی» را پیشنهاد می‌دهد. در این الگو، کنش اتفاق در سطح تحلیل اجتماعی با مفاهیمی مانند هزینه-پاداش و عدالت توصیف می‌شود اما برای فهم عمق تأثیر آن بر بهزیستی فرد، باید به مؤلفه‌های مدل سلیگمن رجوع کرد. نقطه اوج این تلفیق، در مفهوم «نیت خالص» است که اتفاق را از مبادلات متعارف فراتر می‌برد و به آن کیفیت یک «کنش ارتباطی-معنوی» می‌بخشد. در این نوع کنش، پاداش اصلی درونی و رشدبخش است؛ یعنی دستیابی به احساس معنا، تقویت فضایل اخلاقی و تجربه

30. Seligman, Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being.

۳۱. امیدیان و دیگران، نقش خلاقیت، «ذهن‌آگاهی و عملکرد تحصیلی بر بهزیستی روانی با میانجی مشکلات روان‌شناختی».

آرامش ناشی از اتصال به حقیقتی متعالی.

این چهارچوب هم ظرفیت تبیین علمی دارد و هم با آموزه‌های قرآنی درباره انفاق همخوانی عمیق پیدا می‌کند. بنابراین، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که چگونه انفاق از طریق فعال‌سازی هم‌زمان مکانیسم‌های روانی-اجتماعی و توحیدی، به تحقق وعده الهی رهایی از ترس و اندوه و دستیابی به بهزیستی ذهنی متعالی می‌انجامد. این چهارچوب هم ظرفیت تبیین علمی دارد و هم با آموزه‌های قرآنی درباره انفاق همخوانی عمیق پیدا می‌کند. بنابراین، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که چگونه انفاق، از طریق فعال‌سازی هم‌زمان مکانیسم‌های روانی-اجتماعی و توحیدی-معنوی، به تحقق وعده الهی رهایی از ترس و اندوه و دستیابی به بهزیستی ذهنی متعالی می‌انجامد.



تصویر ۱: نظریه تلفیقی مبادله الهی-اجتماعی

۳. یافته‌ها: تحلیل محتوای آیات و تفاسیر قرآنی

این بخش با روش تحلیل محتوای کیفی، مضامین اصلی مستخرج از آیات محوری مرتبط با انفاق، به‌ویژه سیاق آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره و نیز تفاسیر معتبر شیعه و سنی را ارائه می‌دهد. هدف، استخراج و طبقه‌بندی انگاره‌های قرآنی درباره ماهیت، شرایط و پیامدهای کنش انفاق است تا زمینه‌ای مستحکم برای تحلیل روان‌شناختی-اجتماعی در بخش بعدی فراهم آید.

۳.۱. ماهیت، شرایط و قیود کنش انفاق

انفاق در گفتمان قرآنی، مفهومی فراتر از یک انتقال مالی صرف است و به هرگونه هزینه‌کردن آگاهانه و

داوطلبانه در مسیر رضایت الهی در هر زمان و شرایطی تعریف می‌شود.^{۳۲} این کنش در منظومه معارف اسلامی از معنایی گسترده برخوردار است که صرفاً به بخشش مادی محدود نمی‌شود و نقشی اساسی در تأمین آرامش و سلامت معنوی فرد ایفا می‌کند. کیفیت و پیامدهای این عمل نیک، مشروط به رعایت قیود و شرایطی بنیادین است که ساختاری اخلاقی-اجتماعی به آن می‌بخشد.^{۳۳}

پایه‌ای‌ترین شرط تحقق اتفاق اصیل، «نیت خالصانه» (إِيتَاءَ وَجْهِ اللَّهِ) است. این نیت، عمل را از آلودگی‌های ریا و خودنمایی پاک می‌سازد و آن را به عبادتی ناب تبدیل می‌کند که پاداش آن نزد خداوند مصون و محفوظ می‌ماند.^{۳۴} براساس برخی تفاسیر، همین قصد قربت، مرزی اساسی میان اتفاق به مثابه یک «عبادت مالی» و دیگر اشکال انتقال ثروت، مانند مالیات‌های متعارف ایجاد می‌کند.^{۳۵} آداب پس از اتفاق نیز از اهمیت بنیادینی برخوردار است. قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «وَلَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»^{۳۶} نهی از «منّ و اذی» (منت‌نهادن و آزاردادن)، علاوه بر توصیه اخلاقی، حرکتی هوشمندانه برای حفظ کرامت انسانی گیرنده و پیشگیری از تحقیر اوست که سلامت و پایداری پیوندهای اجتماعی را تضمین می‌کند.^{۳۷}

کانون تحلیلی پژوهش، آیه ۲۷۴ سوره بقره است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». فعل مضارع «يُنْفِقُونَ» بر استمرار و تداوم این عمل در زندگی مؤمن دلالت دارد. قیدهای «سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (پنهان و آشکار) و «بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (شب و روز) بر جامعیت، انعطاف‌پذیری و نهادینه‌شدن این رفتار تأکید می‌کنند. برخی مفسران، تقدیم «شب» بر «روز» و «پنهان» بر «آشکار» را اشاره‌ای لطیف به افضلیت اتفاق پنهانی، به‌ویژه در خلوت شب دانسته‌اند.^{۳۸} از دیدگاه علامه طباطبایی، اتفاق عاملی برای تعدیل ثروت و تقویت هم‌بستگی اجتماعی است و آن را به ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی تبدیل می‌کند.^{۳۹}

۲.۳. مضامین مرتبط با بهزیستی ذهنی در قرآن (حال خوب)

آیات قرآن کریم و تفاسیر برجسته، پیامدهای متعددی را برای کنش اتفاق بر می‌شمارند که مستقیماً با

۳۲. طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۱۷۷/۳.

۳۳. خاکپور و دیگران، «نقش اتفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات».

۳۴. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۳۴۷/۳؛ طباطبایی، المیزان، ۶۱۰/۲.

۳۵. مغنیه، تفسیر کاشف، ۴۲۸/۱-۴۳۱؛ قاسمی، تفسیر القاسمی، ۲۱۵-۲۱۹.

۳۶. بقره: ۲۶۴.

۳۷. طباطبایی، المیزان، ۶۱۰/۲.

۳۸. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷۱/۷؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۶۱/۱.

۳۹. طباطبایی، المیزان، ۶۱۲/۲.

ابعاد مختلف بهزیستی ذهنی و تجربه «حال خوب» پیوند می‌خورند. این پیامدها را می‌توان در شش محور کلیدی و به هم پیوسته دسته‌بندی کرد:

۳. ۲. ۱. رهایی از هیجانات منفی (وعده آرامش پایدار)

براساس تحلیل مفسران، «خوف» به نگرانی و اضطراب نسبت به آینده و وقایع پیش‌رو (مانند ترس از فقر یا عواقب آخرتی) اشاره دارد، درحالی‌که «حزن» به اندوه و افسوس خوردن بر گذشته و امور ازدست‌رفته (مانند حسرت مال بخشیده‌شده) باز می‌گردد.^{۴۰} بنابراین، این آیه فقدان دو هیجان منفی بنیادین؛ یعنی اضطراب آینده‌نگر و افسردگی گذشته‌نگر را به عنوان پیامد مستقیم عمل انفاق تضمین می‌کند. از منظر علامه طباطبایی، انفاق خالصانه، قلب را از وسوسه‌های شیطانی و ترس از فقر پاک می‌سازد.^{۴۱} این پاکی درونی و رهایی از دغدغه‌های مذکور، خود منشأ همان آرامش پایدار می‌شود. براساس تفسیری دیگر، حرف «فاء» در عبارت «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ» دلالت بر رابطه سببیت قطعی و ضروری میان انفاق و حصول این پاداش دارد؛ به این معنا که رهایی از خوف و حزن، نتیجه‌ای مستقیم و تضمین‌شده توسط خود عمل انفاق است.^{۴۲}

برخی روایات تفسیری نیز بر مصداق عینی این آرامش تأکید کرده و «صدقه پنهانی» را عاملی برای «خاموش کردن خشم پروردگار» دانسته‌اند^{۴۳} که به تبع آن، کسب آرامش درونی محقق می‌شود. بدین ترتیب، وعده قرآنی رهایی از هیجانات منفی، بر سه پایه استوار شده و صورتی عینی و روان‌شناختی می‌یابد: ۱. پاک‌سازی درونی و زدودن رذایل قلبی؛ ۲. تضمین الهی بر تحقق وعده؛ ۳. رابطه سببیت قطعی میان عمل و نتیجه.

۳. ۲. ۲. تقویت هیجانات و حالات مثبت (اعطای برکت، امید و رضایت)

قرآن کریم برای جبران هزینه مادی انفاق، به پاداش‌های دنیوی نیز اشاره می‌کند که خود بستر شکل‌گیری هیجانات مثبت را فراهم می‌آورد. در تمثیل مشهور آیه ۲۶۱ سوره بقره، انفاق در راه خدا به دانه‌ای تشبیه شده است که هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه می‌رویانند. این تمثیل به وضوح بر مفهوم «برکت» و افزایش فزاینده‌تر از محاسبات عادی و متعارف تأکید دارد.^{۴۴} برکت، مفهومی جامع‌تر از صرف افزایش کمی است و به «رشد، ثبات و فراوانی خیر» در زندگی اشاره می‌کند. چنین وعده الهی، یک چهارچوب شناختی

۴۰. طباطبایی، المیزان، ۶۱۴/۲؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷۱/۷.

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۶۱۴/۲.

۴۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷۱/۷.

۴۳. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۲۹۱/۱.

۴۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۰/۲.

مثبت در ذهن فرد اتفاق‌کننده ایجاد می‌کند که می‌تواند احساس امید و خوش‌بینی نسبت به آینده اقتصادی و معیشتی را در وی پدید آورد. این امیدواری، خود پادزهر نیرومندی در برابر «خوف» از فقر و آینده‌ای نامعلوم محسوب می‌شود.^{۴۵}

ازسوی دیگر، نفس انجام عمل نیک و اطاعت از فرمان الهی، به‌خودی‌خود منبع رضایت درونی و حس افتخار اخلاقی است. اتفاق انسان را «از بند مال‌پرستی آزاد می‌کند و او را به‌سوی رضایت درونی هدایت می‌کند.»^{۴۶} این رهایی و احساس رضایت، تنها محدود به پاداش اخروی نیست؛ بلکه در لحظه انجام عمل و به‌عنوان دستاوردی اخلاقی بلاواسطه تجربه می‌شود. به تعبیر دیگر، اتفاق‌کننده چون انتظار جبران دنیوی از دریافت‌کننده ندارد، در همان حال که به دیگری می‌بخشد، خویش را از قید حرص و وابستگی مادی می‌رهاند. این رهایی، خود منبعی اطمینان‌بخش و ارزشمند برای حصول رضایتی پایدار و تقویت هیجانات مثبت در فرد و جامعه است.^{۴۷} بدین ترتیب، اتفاق نه‌تنها با وعده برکت مادی، امیدی آینده‌نگر می‌آفریند؛ بلکه در نفس عمل و به‌صورت آنی، لذت اخلاقی و آرامش ناشی از اطاعت و رهایی از تعلقات را به ارمغان می‌آورد.

۳.۲.۳. معنابخشی و هدفمندی متعالی (اتصال به غایتی برتر)

ژرف‌ترین لایه تأثیر اتفاق، نقش آن در معنابخشی به زندگی فرد است. با محور قرارگرفتن نیت «إِيتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»، عمل مادی اتفاق از سطح یک کمک اجتماعی صرف فراتر می‌رود و به مرتبه یک «عبادت» و «قرب» ارتقا می‌یابد.^{۴۸} استعاره «قرض دادن به خدا» در آیه ۲۴۵ سوره بقره این حس را به اتفاق‌کننده منتقل می‌سازد که در مشارکتی قدسی و ارتباطی ویژه با ذاتی بی‌نهایت بخشنده و امین درگیر شده است.^{۴۹} این احساس تعلق به یک نظام معنایی بزرگ‌تر و متعالی، قدرتمندترین منبع معنا و هدفمندی در زندگی به شمار می‌رود و پاسخی وجودی و ریشه‌ای به پوچی و اضطراب‌های متافیزیکی بشری ارائه می‌دهد.

۳.۲.۴. تحکیم روابط و هم‌بستگی اجتماعی (حرکت از فردگرایی به جمع‌گرایی)

در منظومه قرآنی، اتفاق، کنشی اجتماعی با کارکردهای جمعی محسوب می‌شود. هدف از این عمل، ایجاد تعادل اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی ذکر شده است؛ امری که کینه‌ها را کاسته و هم‌بستگی اجتماعی را تقویت می‌کند.^{۵۰} این کنش، با تعدیل ثروت، به‌طور هم‌زمان دو اثر متقابل بر جای می‌گذارد:

۴۵. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷/۱۷.

۴۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۳/۲.

۴۷. طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۶۲۹/۱-۶۳۱.

۴۸. طباطبائی، المیزان، ۶۱۲/۲.

۴۹. طباطبائی، المیزان، ۶۱۲/۲.

۵۰. طباطبائی، المیزان، ۵۸۴/۲-۵۸۷.

از یک سو احساس طرد و حقارت را در گیرنده کاهش می‌دهد و ازسوی دیگر احساس مسئولیت و پیوند انسانی را در دهنده افزایش می‌دهد.^{۵۱} تأکید قرآن بر انفاق از «فضل» یا مازاد دارایی،^{۵۲} منطقی عادلانه و جامعه‌پسند را ترویج می‌کند که زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و پویایی جمعی است.^{۵۳}

۳. ۲. ۵. تزکیه نفس و رشد شخصیت اخلاقی

قرآن کریم انفاق را به‌عنوان عاملی برای پاک‌سازی و رشد درونی فرد معرفی می‌کند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^{۵۴} این «تزکیه» فرایندی دو وجهی است: از یک سو به‌معنای پالایش درون از رذایلی چون بخل، حرص و دل‌بستگی افراطی به مال (شح نفس) و ازسوی دیگر، به‌منزله پرورش فضایی مانند سخاوت، ایثار و همدلی است.^{۵۵} این مبارزه درونی و تمرین مستمر بخشش، به رشد شخصیتی و گسترش ظرفیت وجودی فرد می‌انجامد و درنهایت، هویت اخلاقی نوین و متعالی‌تری برای او شکل می‌گیرد.^{۵۶}

۳. ۲. ۶. انعطاف‌پذیری دستور قرآنی (پنهان و آشکار)

ذکر قید «سِرًّا وَعَلَانِيَةً» در آیه ۲۷۴ سوره بقره بیانگر جواز دو شکل عمل نیست، بلکه از انعطاف هوشمندانه این فریضه در تطبیق با شرایط مختلف حکایت دارد. این دو شکل، دارای کارکردهای مکمل روان‌شناختی و اجتماعی هستند. انفاق پنهان، بر تقویت اخلاص، فروتنی و رهایی از نیاز به تأیید اجتماعی (پاداش بیرونی) تأکید دارد و هزینه روانی ریا را از میان می‌برد. در مقابل، انفاق آشکار -در صورتی که همراه با قصد خودنمایی نباشد- می‌تواند نقش الگودهی اجتماعی و نهادینه‌سازی هنجار بخشش را ایفا کند و احساس تعلق جمعی را تقویت کند.^{۵۷}

بررسی آیات و تفاسیر مرتبط نشان می‌دهد انفاق قرآنی پدیده‌ای یک‌بعدی و تک‌ساحتی نیست، بلکه کنشی چندوجهی، معنوی و درعین حال اجتماعی است. این عمل، با ایجاد آرامش درونی، تقویت عواطف مثبت، معنابخشی به زندگی، تحکیم پیوندهای اجتماعی، رشد شخصیت اخلاقی و ارائه انعطاف در شیوه اجرا، شبکه درهم‌تنیده‌ای از پیامدها را پدید می‌آورد. این پیامدها مستقیماً ساحت‌های روانی، شناختی و اجتماعی تجربه انسانی را هدف گرفته و ماده خام غنی و بدیعی برای تحلیل‌های روان‌شناختی -اجتماعی

۵۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۰/۲-۳۶۲.

۵۲. بقره: ۲۱۹.

۵۳. طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۶۲۹/۱.

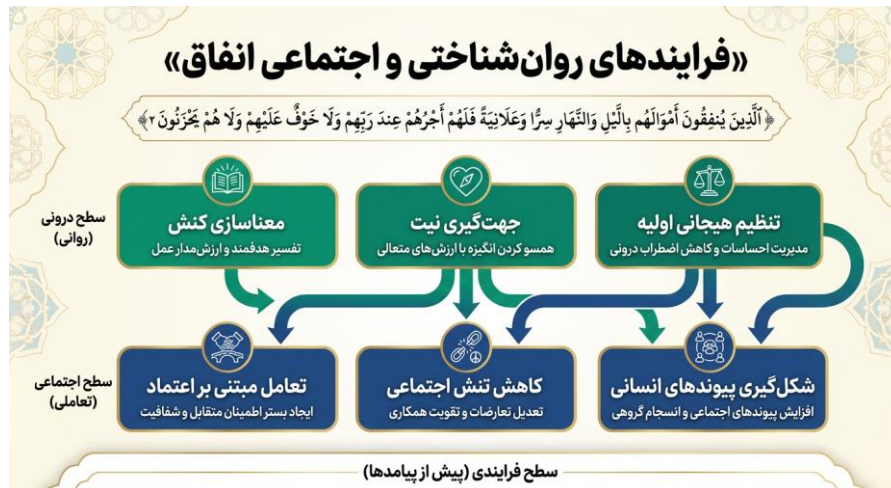
۵۴. توبه: ۱۰۳.

۵۵. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۷/۲.

۵۶. قاسمی، تفسیر القاسمی، ۲۱۵/۲-۲۱۹.

۵۷. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۸/۲؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۳۵۰/۳؛ سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۳/۱.

فراهم می‌آورد.



تصویر ۲: فرایندهای روان‌شناختی و اجتماعی انفاق

۴. بحث و تحلیل: مکانیسم‌های روان‌شناختی-اجتماعی اثرگذاری

۴.۱. معنابخشی متعالی (گذرا از مبادله به قربت)

این فرایند، بنیادی‌ترین سازوکار تأثیر انفاق بر بهزیستی ذهنی را تشکیل می‌دهد و فراتر از تبیین‌های مبادله محور نظریه‌های کلاسیک تلقی می‌شود. کانون این مکانیسم، تغییر کیفی نیت فرد از انگیزه‌های متعارف اجتماعی به سوی «اِتِّغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»^{۵۸} است. این نیت خالص، ماهیت کنش را دگرگون می‌سازد؛ به گونه‌ای که کنش از «هزینه‌دهی استراتژیک برای حداکثرسازی سود شخصی» - که محور نظریه مبادله اجتماعی^{۵۹} است - به یک قصد «تقرب» و «عبادت» تبدیل می‌شود.^{۶۰} این دگرگونی، پاداش مورد انتظار را از حیطه منافع مادی و اجتماعی محدود، به عرصه‌ای متعالی و معنوی منتقل می‌کند.

از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر، این فرایند مستقیماً با مؤلفه «معنا» در مدل پنج‌بعدی بهزیستی سلیگمن^{۶۱} مطابقت دارد. معناداری به احساس تعلق و خدمت به چیزی بزرگ‌تر و فراتر از خود اشاره دارد. قرآن کریم با ارائه استعاره‌هایی عمیق، این احساس معنابخشی را تقویت می‌کند. استعاره «قرض دادن به خدا» در آیه

۵۸. بقره: ۲۷۲.

۵۹. Homans, Social behavior as exchange.

۶۰. طباطبایی، ۶۱۲/۲.

۶۱. being-Seligman, Flourish: A visionary new understanding of happiness and well 61.

شریفه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ»^{۶۲}، برای انفاق کننده این ادراک را ایجاد می کند که در مشارکتی قدسی با ضامنی بی نهایت امین (خداوند عزوجل) وارد شده است. این رابطه، عمل مادی گذرا را در شبکه ای از تقدس و دوام ابدی جای می دهد. بنابراین، انفاق با این نیت، پاداش خود را نزد مرجعی کاملاً مطمئن و نامتناهی (عِنْدَ رَبِّهِمْ) حفظ می کند.^{۶۳}

این مکانیسم از دو طریق اصلی به بهزیستی ذهنی و تحقق وعده قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» منجر می شود:

۱. بازتعریف دارایی و هزینه: در این چهارچوب معنایی، دارایی مادی (هزینه اولیه انفاق) نه مایه «کاهش ثروت»، بلکه به عنوان «وسیله ای برای ارتباط و تقرب» بازتعریف می شود. این تغییر شناختی، بار روانی ناشی از احساس «از دست دادن» را به طور کامل خنثی می سازد. حسرت بر گذشته (حزن) عمدتاً زمانی پدید می آید که فرد مال را صرفاً در چهارچوبی مادی و وابسته به لذت های زودگذر ارزیابی کند اما هنگامی که همان مال به سرمایه ای برای دستاوردی ابدی و معنوی تبدیل می شود، اندوه جای خود را به رضایت و حتی شغف درونی می دهد.

۲. ایجاد امنیت وجودی: احساس پیوند با یک حقیقت مطلق و غایی (خداوند سبحان)، قوی ترین منبع امنیت روانی در برابر نگرانی های وجودی درباره آینده (خوف) است. زمانی که فرد اطمینان یابد عملش نزد خداوند محفوظ است و در حال تبدیل به پاداشی بی نهایت ارزشمند است، ترس از فقر، آینده ای نامعلوم یا بیهودگی تلاش هایش رنگ می بازد. مطالعات در حوزه روان شناسی وجودی نیز نشان می دهند که یافتن معنا، مؤثرترین عامل مقابله با اضطراب مرگ و احساس پوچی است.^{۶۴} بنابراین، وعده الهی به «أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^{۶۵} دقیقاً همین امنیت و تضمین را در سطحی متعالی فراهم می آورد.

براین اساس، مکانیسم معنابخشی متعالی نشان می دهد که انفاق -باتوجه به انگیزه قربت- با ارتقای کنش به سطح ارتباطی معنوی، هزینه روانی محاسبه گری و ترس از زیان را حذف کرده و آن را با پاداش درونی احساس معنا، امنیت وجودی و رضایت ناشی از تقرب جایگزین می سازد. این دگردیسی کیفی، سنگ بنای آرامش پایدار وعده داده شده در قالب «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» است که سایر مکانیسم های تأثیرگذار بر بهزیستی ذهنی، بر آن استوار می شوند.

۶۲. بقره: ۲۴۵.

۶۳. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۳/۳۴۷.

und Existenzanalyse rztliche Seelsorge: Grundlegung der Logotherapie. Frankl, 64.

۶۵. بقره: ۲۷۴.

۴. ۲. تقویت روابط اجتماعی و عدالت‌ورزی

این مکانیسم، سطح تعاملات فرد با جامعه را هدف قرار داده و تأثیرات روان‌شناختی اتفاق را در بستر روابط متقابل اجتماعی تبیین می‌کند. تحلیل مذکور، بر هم‌پوشانی مفهومی بین نظریه مبادله اجتماعی به‌ویژه ایده‌های «پاداش‌های غیرمادی» و «عدالت» و مؤلفه «روابط مثبت» در مدل پنج‌بعدی بهزیستی سلیگمن استوار است.^{۶۶} در این چهارچوب، اتفاق، عملی انفرادی نیست؛ بلکه یک کنش ارتباطی سازنده تعریف می‌شود که ساختار اجتماعی را متأثر می‌سازد.

هسته این فرایند را می‌توان در منطق اقتصادی-اجتماعی آیات قرآن مشاهده کرد. دستور به اتفاق از «عفو» یا مازاد دارایی «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ»^{۶۷} نشان می‌دهد که به معنای نفی مالکیت نیست، بلکه برای تعدیل ثروت و دستیابی به تعادل اجتماعی است. هدف از این تعدیل، کاهش «کینه‌ها و دشمنی‌ها» و تقویت «هم‌بستگی اجتماعی» است.^{۶۸} در برخی تفاسیر آمده که هدف اسلام از تشریع زکات و اتفاق، مبارزه با فقر به‌عنوان پدیده‌ای ناخوشایند و نزدیک به کفر است. درحقیقت، راه‌حلی چندوجهی برای مشکلات اجتماعی از جمله فقر به شمار می‌رود.^{۶۹}

نکته کلیدی در تأثیرگذاری روان‌شناختی این فرایند تبادلی، رعایت عدالت در تمام مراحل آن است. قرآن کریم با دو دستور کلیدی، چهارچوبی عادلانه برای اتفاق ترسیم می‌کند که خود نوعی عدالت توزیعی را تضمین می‌کند:

أ. امر به اتفاق از «طیبات» (بقره: ۲۶۷): یعنی اموال پاک و ارزشمند شخصی که نشان‌دهنده جدیت، احترام به طرف مقابل و رعایت انصاف است.

ب. نهی قاطع از «مَنّ و اذی» (بقره: ۲۶۴): هرگونه منت‌نهادن یا آزار روانی پس از کمک را منع کرده و کرامت گیرنده را حفظ می‌کند.^{۷۰}

این دو اصل، به‌ترتیب با ابعاد عدالت توزیعی در نظریه برابری آدامز (۱۹۶۵م) مطابقت دارند. هنگامی که فرد اطمینان یابد عملش از هر دو جهت منصفانه و محترمانه است، از دو نوع تنش روانی مصون می‌ماند: تنش درونی ناشی از احساس گناه یا شرم (در صورت بخشش ناچیز یا تحقیرآمیز) و تنش بیرونی ناشی از انتظار واکنش منفی یا انتقام‌جویی اجتماعی. قرآن حتی فراتر رفته، بهترین کمک را فراهم‌آوری فرصت کار

66. Seligman, Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being؛ Blau, Exchange and power in social life.

۶۷. بقره: ۲۱۹.

۶۸. طباطبائی، المیزان، ۵۸۸/۲.

۶۹. مغنیه، تفسیر کاشف، ۴۲۸/۱؛ قرآنی، تفسیر نور، ۴۳۴/۱؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۶۲۹/۱.

۷۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۰/۲.

برای نیازمند معرفی می‌کند تا احساس ارزشمندی کند.^{۷۱} پژوهش‌های فراتحلیلی نیز مؤید آن هستند که ادراک عدالت، پیش‌بینی قدرتمندی برای رضایت از رابطه و تعهد اجتماعی است.^{۷۲}

پیامد این مکانیسم برای بهزیستی ذهنی دوگانه است:

ایجاد امنیت روانی-اجتماعی: فرد با مشارکت فعال در این نظام تبادل عادلانه، خود را عضو مفید و پذیرفته‌شده‌ای در شبکه اجتماعی می‌یابد. این احساس تعلق و امنیت اجتماعی، ازجمله عمده‌ترین عوامل کاهنده اضطراب (خوف) مرتبط با انزوا و طردشدگی محسوب می‌شود.

تولید سرمایه اجتماعی و رفاه جمعی: اتفاق با کاستن از شکاف طبقاتی و افزایش اعتماد متقابل، که از اهداف اصلی آن بر شمرده شده است، به انباشت «سرمایه اجتماعی» در جامعه می‌انجامد.^{۷۳} شواهد تفسیری نشان می‌دهد که اتفاق پنهان و آشکار، هریک نقش مکملی در این فرایند ایفا می‌کنند. اتفاق آشکار (در غیاب ریا) می‌تواند با نقش الگودهی اجتماعی، هنجار بخشش را نهادینه و احساس تعلق جمعی را تقویت کند.^{۷۴} زندگی در جامعه‌ای با سطوح بالای اعتماد، همکاری و هم‌بستگی، به‌خودی‌خود رضایت از زندگی و احساس امنیت جمعی را برای تمامی اعضا، ازجمله بخشنده افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، پاداش غایی، تنها منافع آنی و فردی نیست؛ بلکه مشارکت در ساختن محیطی روان‌ساز است که منافع آن به صورت چرخه‌ای به کنشگر باز می‌گردد. این امر، تحقق ضمنی وعده «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ»^{۷۵} را در بستری اجتماعی نشان می‌دهد، زیرا در جامعه‌ای که هم‌بستگی و عدالت جریان دارد، زمینه برای ترس و هراس به شدت کاهش می‌یابد.

در نتیجه، این مکانیسم نشان می‌دهد که اتفاق با ایجاد چرخه‌ای مثبت از مبادله عادلانه و تقویت پیوندهای اجتماعی، هم پاداش‌های روانی مستقیم (احساس تعلق و اعتبار اجتماعی) و هم پاداش‌های غیرمستقیم محیطی (زندگی در جامعه‌ای امن، هم‌بسته و عادل) را برای فرد به ارمغان می‌آورد. این مجموعه در مجموع، سهم عمده‌ای در زدودن «خوف» و افزایش رضایت از زندگی ایفا می‌کند.

۳.۴. تنظیم هیجانی (کاهش هیجانات منفی تا پرورش هیجانات مثبت)

این مکانیسم به سازوکارهای مستقیم‌تری می‌پردازد که از طریق آن‌ها اتفاق، هیجانات فرد را متعادل می‌سازد و به حالت مطلوب روانی سوق می‌دهد. این تحلیل، مؤلفه «احساسات مثبت» در مدل بهزیستی

۷۱. مغنیه، تفسیر کاشف، ۴۲۸/۱-۴۳۱؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۶۲۹/۱-۶۳۱.

72 Colquitt, Conlon, Wesson, Porter. Justice at the millennium: A meta-analytic review of 25 years of organizational justice research.

۷۳. طباطبائی، المیزان، ۵۸۷/۲.

۷۴. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۸/۲.

۷۵. بقره: ۲۷۴.

سلیگمن (۲۰۱۱م) را محور قرار داده و نشان می‌دهد که وعده قرآنی، یک فرایند دوجبه‌ی کاهنده و افزایش‌ده را در سطح هیجانات به تصویر می‌کشد.

وجه نخست: کاهش و مدیریت هیجانات منفی: ریشه بسیاری از رنج‌های روانی مانند اضطراب، ترس و افسردگی، تمرکز افراطی بر خود و دل‌بستگی وسواس‌گونه به دارایی‌ها و دستاوردهای شخصی است. اتفاق با وادارکردن فرد به بخشش آگاهانه بخشی از دارایی خود، مقابله‌ای روانی عملی با این ریشه‌ها ارائه می‌دهد. این عمل دو اثر روان‌شناختی کلیدی دارد:

أ. **شکستن چرخه حرص و دل‌بستگی:** پرداخت مال به صورت عینی و نمادین، وابستگی روانی فرد را به مادیات کاهش می‌دهد. این «ریزش» اجباری مانند قراردادی رفتاری عمل می‌کند که ترس از دست‌دادن (خوف) را به چالش می‌کشد و تحمل روانی فرد را در برابر آن افزایش می‌دهد.

ب. **تغییر کانون توجه از خود به دیگران:** روان‌شناسی مثبت‌نگر نشان می‌دهد که تمرکز مداوم بر مشکلات خود، نشانه‌ای کلیدی در افسردگی و اضطراب است. عمل اتفاق، توجه فرد را -ولو برای مدتی کوتاه- به نیاز دیگری معطوف می‌سازد. این تغییر کانون توجه، فرایندهای فکری منفی و خودمدارانه را مختل می‌سازد و فضای ذهنی را برای ورود حالت‌های روانی سازنده آماده می‌کند.

وجه دوم: القا و تقویت هیجانات مثبت: اتفاق صرفاً عملی دفعی نیست، بلکه خود منبع تولید هیجانات مثبت است. این امر از دو مسیر تبیین‌شدنی است:

أ. **واکنش ذاتی عصبی-روانی:** مطالعات عصب‌شناختی با استفاده از تصویربرداری مغزی نشان داده‌اند که اعمال نوع‌دوستانه و بخشش حتی بدون انتظار پاداش بیرونی، منجر به فعال‌سازی مناطق کلیدی سیستم پاداش مغز، به‌ویژه هسته اکومبنس^{۷۶} و قشر پیش‌پیشانی می‌شوند.^{۷۷} این فعال‌سازی با ترشح انتقال‌دهنده‌های عصبی مرتبط با احساس لذت و رضایت (مانند دوپامین) همراه است. به عبارت دیگر، بخشش ذاتاً پاداش‌بخش است. بنابراین، این یافته‌های تجربی پشتوانه عصبی را برای وعده قرآنی پاداش و آرامش ناشی از اتفاق فراهم می‌آورند.

ب. **ایجاد چهارچوب شناختی امید و خوش‌بینی (برکت به مثابه روان‌درمانی الهی):** آیات قرآن با ارائه تمثیل‌های هستی‌ساز (مانند تشبیه اتفاق به دانه‌ای که هفتصد برابر ثمر می‌دهد،^{۷۸} به صراحت بر مفاهیم «برکت» و «تضاعف» تأکید می‌ورزند. این وعده‌های الهی صرفاً اشاره به جبران مادی ندارند، بلکه

76 . Nucleus Accumbens

77 . Park, Kahnt, Dogan, Strang, Fehr, & Tobler, neural link between generosity and happiness :Harbaugh, Mayr, & Burghart. Neural responses to taxation and voluntary giving reveal motives for charitable donations.

۷۸. بقره: ۲۶۱.

به عنوان چهارچوب های شناختی - معنایی قدرتمندی عمل می کنند که نگرش فرد به آینده را بازسازی می کنند. باور به این وعده ها، یک خوش بینی پایدار و امیدواری فعال را در فرد پدید می آورد. امید - به عنوان باور به امکان پذیری آینده ای مطلوب و ادراک داشتن مسیری برای دستیابی به آن - خود یکی از قوی ترین هیجانات مثبت و محافظ های سلامت روان است. این خوش بینی مبتنی بر ایمان، مستقیماً در برابر «خوف» از آینده و ناشناخته های آن می ایستد.^{۷۹}

مکانیسم تنظیم هیجانی نشان می دهد که اتفاق، به طور هم زمان بر دو اهرم اثر می گذارد: از شدت هیجانات منفی (ترس و اندوه مرتبط با مال) می کاهد و شدت هیجانات مثبت (لذت ناشی از بخشش، امید ناشی از برکت) را افزایش می دهد. این تغییر در توازن هیجانی، فرد را از حالت تدافعی و افسرده خارج می کند و به سوی حالتی گشوده، امیدوار و رضایتمند سوق می دهد. این حالت، عینیت بخشیدن به وعده قرآنی در سطح تجربه زیسته فرد است.

۴.۴. رشد شخصیتی: تزکیه نفس و شکل گیری هویت اخلاقی

این مکانیسم بر پیامدهای بلندمدت و تکاملی اتفاق برای شخصیت فرد تمرکز دارد. در این چهارچوب، اتفاق به عنوان یک «سرمایه گذاری وجودی» تحلیل می شود که بازده آن، رشد و تعالی خود فرد است. این مکانیسم با مؤلفه «دستاورد» در مدل بهزیستی سلیگمن و نیز با مفهوم «رشد شخصی» در نظریه بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۹۸م) همخوانی دارد، اما در گفتمان قرآنی، عمق و غنایی فراتر می یابد. قرآن کریم صراحتاً اتفاق را وسیله ای برای «تزکیه» معرفی می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا».^{۸۰} این مکانیسم با مؤلفه «دستاورد» در مدل بهزیستی سلیگمن و نیز با مفهوم «رشد شخصی» در نظریه بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۹۸م) همخوانی دارد اما در گفتمان قرآنی، عمق و غنایی فراتر می یابد. قرآن کریم صراحتاً اتفاق را وسیله ای برای تزکیه معرفی می فرماید. از این رو، پرسش اساسی این است که چگونه بخشیدن مال موجب «تطهیر» روح می شود؟ پاسخ در نگاه توحیدی نهفته است. به بیان علامه طباطبایی در المیزان وقتی انسان بفهمد که مال، مال خداوند است و او فقط امین و مستخلف است، دیگر جایی برای بخل باقی نمی ماند. بخل ریشه در توهم مالکیت دارد؛ وقتی توحید در مالکیت محقق شود، این توهم از بین می رود. بر پایه تفاسیر، این «تطهیر و تزکیه» فرایندی چندوجهی و تحول آفرین است^{۸۱} که از مسیرهای ذیل محقق می شود:

۷۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۰/۲؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷۱/۷.

۸۰. توبه: ۱۰۳.

۸۱. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۷/۲.

۱. شکستن وابستگی به مال؛ زیرا انفاق، دل‌بستگی روانی به مادیات را به‌صورت عملی و عینی می‌شکند و قلب را از وسوسه مال‌پرستی پاک می‌سازد؛ ۲. تقویت فضیلت مقابل؛ یعنی در کنار زدودن رذیله بخل، فضیلت سخاوت و ایثار را می‌پروراند؛ ۳. تطهیر از ریا: وقتی انفاق با نیت خالص (إِبْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ) همراه باشد، از آلودگی ریا و خودنمایی پاک می‌شود.

وجه نخست: پالایش از رذایل (نبرد وجودی با «شَحْ نفس»): مهم‌ترین رذیله‌ای که انفاق به مقابله ساختاری با آن بر می‌خیزد، «بخل» یا «شَحْ نفس» است. این رذیله، بیماری‌ای روحی است که با ترس هستی‌شناختی از فقر و حرص افراطی به تملک شناخته می‌شود.^{۸۲} لذا انفاق، یک «درمان عملی وجودی» برای این بیماری محسوب می‌شود. فرد با عمل بخشش تکرارشونده، به‌صورت نمادین و عینی، الگوهای عصبی-روانی و شناختی ترس از دست‌دادن را بازنویسی می‌کند. این فرایند، مطابق روایتی از امام صادق(ع)، در قالب این اصل کلی تجلی می‌یابد که «هر عضوی زکات مخصوص به خود دارد؛ زکات چشم، عبرت گرفتن و زکات دست، بخشش است.»^{۸۳} غزالی در تحلیل این فرایند، انفاق را «آزمایشی برای ادعای توحید» می‌داند، زیرا محبت حقیقی به خداوند، مستلزم گسست از محبت‌های دیگر، از جمله محبت افراطی به مال است.^{۸۴}

در سوی مقابل، انفاق بذر فضایل اخلاقی را می‌پروراند. هر عمل بخشش، تمرینی برای سخاوت، همدلی و ایثار است. این تکرار، مبتنی بر مکانیسم تقویت مثبت عمل می‌کند اما پاداش آن -برخلاف نظریه مبادله متعارف- درونی، معنوی و رشدبخش است: «رضایت از تعالی خود.» این دستاورد درونی، سنگ‌بنای «عزت نفس اصیل» و «حسن کفایت اخلاقی» است.^{۸۵}

پیوند تزکیه با آرامش وجودی؛ زدودن ریشه‌های «حزن» و «خوف»: رشد حاصل از این تزکیه، وعده قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» را محقق می‌سازد:

کاهش «خوف»: ترس از آینده، اغلب از احساس عدم کفایت و آسیب‌پذیری ناشی می‌شود. کسی که از رهگذر تمرین انفاق، بر «شَحْ نفس» چیره شده و هویت انسان بخشنده‌ای را در خود نهادینه کرده است، منبعی درونی از قدرت، اطمینان و تاب‌آوری کسب می‌کند. این قدرت باطنی او را در برابر ناامنی‌های مادی و اجتماعی مصون می‌سازد، لذا اطمینان به پاداش الهی (عِنْدَ رَبِّهِمْ)، ترس از فقر را از بین می‌برد.^{۸۶}

۸۲. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۳/۳۴۷.

۸۳. مغنیه، تفسیر کاشف، ۱/۴۳۱.

۸۴. قاسمی، تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)، ۲/۲۱۵-۲۱۹.

۸۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲/۳۶۳.

۸۶. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۷/۷۱.

کاهش «حزن»: بسیاری از اندوه‌ها ریشه در حسرت بر گذشته و احساس پوچی دارد. فردی که در مسیر تزکیه و پرورش فضیلت گام می‌گذارد، زندگی را رو به تعالی و سرشار از معنا می‌بیند. او مال بخشیده‌شده را بهای دستاوردی متعالی می‌داند، نه یک «فقدان». روایتی از امام صادق (ع) تأکید می‌کند که «صدقه پنهانی، خشم پروردگار را خاموش می‌کند»^{۸۷} که خود اشاره به آرامش درونی ناشی از این عمل دارد.

در نتیجه، اتفاق در این مکانیسم، مسیری تمرینی برای تحول شخصیت از «مال‌پرستِ هراسان» به «انسان سخاوتمندِ مطمئن» است. هزینه مادی، در واقع «ورود به مکتب تزکیه» محسوب می‌شود. بازده این سرمایه‌گذاری وجودی، دستاوردهای نهایی درونی است: عزت نفس ریشه‌دار در فضیلت، حس کفایت ناشی از تسلط بر نفس و هویت اخلاقی مبتنی بر سخاوت. این دستاوردها پایدارترین پایه را برای بهزیستی ذهنی فراهم می‌کنند. این است آن «اجر» بی‌همتایی که قرآن وعده می‌دهد: پاداشی که پیش و بیش از هر



تصویر ۳: عقل و وحي در یکپارچگی وجودی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین روان‌شناختی-اجتماعی آثار انفاق قرآنی بر بهزیستی ذهنی، حرکتی از تحلیل‌های متعارف به‌سوی ارائه چهارچوبی تحلیلی تلفیقی و نوین است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انفاق، فراتر از یک کنش مالی صرف، یک مکانیسم هوشمند وجودی برای تحول فرد و جامعه است. این کنش، از

۸۷. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۲۹۱/۱.

۸۸. قرآنی، تفسیر نور، ۴۳۴/۱-۴۳۵.

طریق مسیرهای به هم پیوسته، وعده الهی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» را که عالی‌ترین نمود بهزیستی ذهنی پایدار است، محقق می‌سازد.

دست‌آورد اصلی مطالعه، گذر از نظریه مبادله اجتماعی متعارف و ارائه چهارچوب «مبادله الهی-اجتماعی» است. در این الگو، با نقد رویکرد صرفاً عقلانی-محاسبه‌گر، ماهیت کنش انفاق با تکیه بر نیت «إِيتَاءَ وَجْهِ اللَّهِ» بازتعریف می‌شود. این نیت، انفاق را از سطح مبادله‌ای اقتصادی به مقام «عبادت»، «تزکیه نفس» و «قربت» ارتقا می‌دهد. در این چهارچوب، انفاق، سرمایه‌گذاری در شبکه‌ای از پاداش‌های چندلایه (مادی، اجتماعی، معنوی و درونی) است. چهار مکانیسم کلیدی به هم پیوسته، مسیر دستیابی به این بهزیستی را ترسیم می‌کنند:

۱. **معنابخشی متعالی:** با محوریت «قربت»، دارایی مادی به وسیله‌ای برای اتصال به حقیقتی فراتر تبدیل شده و پادزهر پوچی و اضطراب وجودی می‌شود.

۲. **تنظیم هیجانی:** انفاق با شکستن دل‌بستگی به مال و تغییر کانون توجه به دیگران، هیجانات منفی (ترس و اندوه) را تضعیف و با فعال‌سازی ذاتی سیستم پاداش مغز و القای امید، هیجانات مثبت را تقویت می‌کند.

۳. **تقویت سرمایه اجتماعی:** انفاق عادلانه و عاری از «مَنّ و اُذی»، چرخه‌ای از اعتماد و همبستگی ایجاد می‌کند، فرد را در شبکه‌ای از روابط مثبت قرار می‌دهد و عامل کاهش «خوف» اجتماعی و افزایش رضایت می‌شود.

۴. **رشد شخصیتی و تزکیه نفس:** انفاق به عنوان تمرینی عملی، فرد را از بخل رهاکننده و فضایی چون سخاوت را پرورش می‌دهد. این فرایند تزکیه، به دست‌آوردی درونی و شکل‌گیری هویت اخلاقی نوین می‌انجامد که پایه عزت نفس اصیل و مقاومت روانی است.

نکته حائز اهمیت، همسویی بین حکمت قرآنی و یافته‌های علوم نوین است. مطالعات عصب‌شناختی (مانند فعال‌سازی سیستم پاداش مغز در بخشش)، روان‌شناسی مثبت‌نگر (نقش محوری معنا و روابط مثبت) و جامعه‌شناسی (اهمیت عدالت و سرمایه اجتماعی)، مکمل تبیین سازوکارهای زیربنایی وعده قرآنی آرامش هستند. این همسویی، گفتمانی سازنده بین دین و علوم انسانی معاصر را ممکن می‌سازد. در حوزه روان‌درمانی می‌توان از «انفاق هدفمند» به عنوان مداخله‌ای مکمل در کاهش نشانه‌های افسردگی، اضطراب و خودشیفتگی بهره جست.

در عرصه تربیت و آموزش، الگوی مبادله الهی-اجتماعی می‌تواند مبنای پرورش نسلی بخشنده، مسئول و معنادار قرار گیرد. بسط الگو به سایر فضایل اخلاقی قرآن و همچنین بررسی تطبیقی با سنت‌های اخلاقی

دیگر می‌تواند افق پژوهش‌های آینده باشد.

در سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی، تأکید بر طراحی نظام‌های تشویقی مبتنی بر قدردانی اجتماعی و معنابخشی (نه فقط مشوق‌های مادی) برای ترویج فرهنگ نیکوکاری، رهیافتی کارآمد از این پژوهش است.

در نتیجه، انفاق قرآنی راهکاری عملی و مبتنی بر شواهد برای مواجهه با چالش‌های سلامت روان و گسست اجتماعی عصر حاضر است که شناخت مکانیسم‌های اثر آن، گنجینه‌ای معنوی برای بهزیستی بشری می‌گشاید.

منابع

قرآن کریم. ترجمہ ناصر مکارم شیرازی. قم: علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۹.

آلوسی، محمودین عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٦٣.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاب اول، ۱۳۷۱.

امیدیان، مرتضی و دیگران. «نقش خلاقیت، ذهن آگاهی و عملکرد تحصیلی بر بهزیستی روانی با میانجی مشکلات روان‌شناختی»، دس-تاوردهای روان‌شناختی، ش ۲ (۱۳۹۶): ۱۰۱-۱۱۶.

۲۰۱۸/۲۳۶۴۰/۱۹۰۷/psy.۱۰/۲۲۰۵۵<https://doi.org/>

برهان، محمد حسین بن خلف. فرهنگ فارسی برهان قاطع. تهران: نیما، ۱۳۸۰.

بيضاوى، عبد الله بن عمر. انوار التنزيل و اسرار التأويل. بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

حسنوند، رحمن. «رابطهٔ اتفاق‌های مالی با سلامت روان». کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی، ۱۴۰۱.

حویزی، عبدعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

خاکپور، حسین و دیگران. «نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات». مجله تاریخ پزشکی. ش ۲۹

(زمستان ۱۳۹۵): ۱۳۹-۱۶۴. <https://doi.org/10.29253/1690.AiA/mhj.v10.22.37>

دهخدا، علی اکبر. فرهنگ متوسط دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

راستگو، کبری، سارا طائرین. «تحلیل معناشناختی مفهوم انفاق در قرآن کریم با تکیه بر نظریه تحلیل مؤلفه‌ای».

همایش بین‌المللی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث». شاهرود: بی‌نا، ۱۴۰۰ش.

فیروزی، قوی پنجه؛ تبیین ابعاد توحیدی اتفاق در قرآن با تکیه بر مکانیسم‌های روان‌شناختی-اجتماعی/ ۲۳۵

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن». تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.

سلطانی، سید مهدی. «سیمای اتفاق در قرآن». بی‌جا: کوثر، ش ۹ (تابستان ۱۳۸۲): ۱۹-۲۴.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸.

طبرانی، سلیمان بن احمد. التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم). اردن: دار الکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.

طبرسی، فضل بن حسن. ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

طبرسی، فضل بن حسن. ترجمه تفسیر جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

طنطاوی، محمدسید. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: نهضة مصر، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.

فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

قاسمی، جمال الدین. تفسیر القاسمی (محاسن التأویل). بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

قزائنی، محسن. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸.

قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۶۴.

قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب السلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

قیاسی، الهام. «مروری بر بهزیستی روان‌شناختی و نظریه‌های مختلف مرتبط با آن». مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی. ش ۳ (فروردین ۱۴۰۰): ۶۵-۷۵.

گرامی، غلامحسین، نرگس جعفری. «بررسی آیات اتفاق با رویکرد انگیزشی در تفسیر المیزان». نشریه علمی مطالعات تفسیری. ش ۱۰ (زمستان ۱۳۹۸): ۱۱۷-۱۲۸.

<https://dor.isc.ac/dor/۲۰/۱۰۰۱/۱/۲۲۲۸۷۲۵۶/۱۳۹۸/۱۰/۴۰/۱۱/۶>

محسنی، طاهره، خدیجه احمدی بیغش. «آثار روان‌شناختی فعالیت‌های نیکوکارانه بر سلامت روان دنیوی و سعادت ابدی اخروی از دیدگاه قرآن و حدیث». تفسیر پژوهی اثری. ش ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۲۷۵-۲۹۹.
مسعودی پور، سعید. «طراحی الگوی ترویج اتفاق در جامعه با استفاده از آیات ۲۷۴ تا ۲۵۴ سوره بقره». مشکوة. ش ۳ (پاییز ۱۳۹۷): ۶۸-۹۱.

<https://dor.isc.ac/dor/۲۰/۱۰۰۱/۱/۱۶۸۳۸۰۳۳/۱۳۹۷/۳۷/۳/۴/۷>

مغنیه، محمدجواد. تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴.
میرصابری، انسیه سادات، انسیه خزعلی. «تحلیل تصویری آیات تقابلی انفاق (مطالعه موردی آیات ۲۶۱-۲۷۴
سوره بقره)». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ش ۳ (پاییز ۱۴۰۲): ۱۹۳-۲۲۲.

[10.22051/tqh.2023.42197.3735](https://doi.org/10.22051/tqh.2023.42197.3735)

Adams, J. S. Inequity in social exchange. In L. Berkowitz(Ed.), *Advances in experimental social psychology*(Vol. 2, pp. 267-299). Academic Press, 1965.

Blau, P. M. *Exchange and power in social life*. John Wiley & Sons, 1964.

Colquitt, J. A., Conlon, D. E., Wesson, M. J. Porter, C. O. L. H., & Ng, K. Y. Justice at the millennium: A meta-analytic review of 25 years of organizational justice research. *Journal of Applied Psychology*, ۲۰۰۱. 86(3), 425-445. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.86.3.425>

Frankl, V. E. *Ärztliche Seelsorge: Grundlegung der Logotherapie und Existenzanalyse*. Vienna: Deutick, 1946.

Harbaugh, W. T., Mayr, U., & Burghart, D. R. Neural responses to taxation and voluntary giving reveal motives for charitable donations. *Science*. 2007, 316(5831), 1622-1625.
<https://doi.org/10.1126/science.1140738>

Homans, G. C. Social behavior as exchange. *American Journal of Sociology*. 1958, 63(6), 597-606.
<https://doi.org/10.1086/222355>

Park, S. Q., Kahnt, T., Dogan, A., Strang, S., Fehr, E., & Tobler, P. N. A neural link between generosity and happiness. *Nature Communications*, 2017, 8, 15964. <https://doi.org/10.1038/ncomms15964>

Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1995. 69(4), 719-727. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.69.4.719>

Seligman, M. E. P. *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. Free Press, 2011.

Thibaut, J. W., & Kelley, H. H. *The social psychology of groups*. John Wiley & Sons, 1959.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm. translated by Nāṣir Makārim Shirāzī. Qum: ‘Alī ibn abī Ṭālib (AS), 2011/1389.

Abū al-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn ibn ‘Alī. *Rawḍ al-Jinān wa Rūḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qurān*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Islāmī Āstān-i Quds-i Raḥavī. Chāp-i Awwal, 1993/1371.

Ālūsī, Maḥmūd ibn ‘Abd Allāh. *Rūḥ al-Ma‘ānī fī Tafsīr al-Qurān al-‘Azīm wa al-Sab‘ al-Mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Bayḍāwī, ‘Abd Allah ibn ‘Umar. *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta’wīl*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī. Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Burhān, Muḥammad Ḥusayn ibn Khalaf. *Farhang Fārsī Burhān Qāṭi*. Tehran: Nimā, 2002/1380.

Dihkhudā, ‘Alī Akbar. *Farhang Mutivasit Dihkhudā*, Tehran: University of Tehran, 2012/1390.

Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. *al-Tafsīr al-Kabīr (Maḥāṣin al-Ghayb)*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī, Chāp-i Sivum, 1999/1420.

Girāmī, Qulām Ḥusayn, Nargis Ja‘farī. "Barrisi Āyāt Infāq bā Rūykard Angīzishi dar Tafsīr-i al-Mizān". *Nashriyeh-yi ‘Ilmī Muṭālī‘āt-i Tafsīrī*, no. 10 (winter 2020/1398): 117-128.

Ḥasanvand, Raḥmān. "Rābiṭih-yi Infāq-hā-yi Mālī bā Salāmat Ravān". *Kunfirāns Biyn al-Milālī Dānish va Fanāvari Hūqūq va ‘Ulūm-i Insānī*. 2022/1401.

Ḥūwayzī, ‘Abd ‘Alī ibn Jum‘ah. *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*, Qum: Chāp-i Chāhārum. 1994/1415.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughā*. Qum: Mu‘assisa al-Nashr al-Islāmī. 1944/1363.

Khākpūr, Ḥusayn et al. "Naqsh Infāq dar Salāmat Ma‘nawī az Dīdgāh Qurān va Rivāyat". *Majalah-yi Tārīkh Pizishkī*, no. 29 (winter 2016/1395): 139-164.

Makārim Shīrāzī, Naṣīr. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. Chāp-i Si va Duvūm, 1996/1374.

Mas‘ūdīpūr, Sa‘īd. "Tarāḥī Ulgū-yi Tarvij Infāq dar Jāmi‘ah bā Istifādih az Āyāt 254-274 Sūrah-yi Baqarīh". *Mishkāt*, no.3 (autumn 2019/1397): 68-91.

Mīr Šabrī, Insīyih Sādāt, Insīyih Khaz ‘Alī. "Taḥlīl Taṣvīrī Āyāt Taqābulī Infāq (Muṭālī‘ih-yi Mūrīdī Āyāt 261-274 Sūrah-yi Baqarīh)". *Tahqīqāt ‘Ulūm Qurān va Ḥadīth*. no. 3 (autumn2023/1402): 193-222.

Mughniyah, Muḥammad Javād. *Tafsīr Kāshif*. Qum: Būstān-i Kitāb, Chāp-i Duvūm, 2008/1386.

Muḥsinī, Ṭāhīrīh, Khadījih Aḥmadī Bighish. "Āsār Ravānshinākhtī Fa‘āliyat-hā-yi Nikūkārānīh bar Salāmat Ravān Dunyavī va Sa‘ādat Abadī Ukhraivī az Dīdgāh Qurān va Ḥadīth". *Tafsīrpazhūhī Atharī*. No. 12 (autumn and winter 2020/1398): 275-299.

Qāsimī, Jamāl al-Dīn. *Tafsīr al-Qāsimī (Maḥāsin al-Ta’wī)*. Beirut: Dār al-Kutub-i al-‘Ilmiyya, Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Qirā‘atī, Muḥsin. *Tafsīr Nūr*. Tehran: Markaz-i Farhangī Dars-hā-yi az Qurān. Chāp-i Awwal, 2010/1388.

Qiyāsī, Ilhām. "Murūrī bar Bihzistī Ravānshinākhtī va Naẓariyih-hā-yi Mukhtalif Murtabīṭ bā ān". *Majallih-yi Pazhūhish va Muṭālī‘āt ‘Ulūm Islāmī*. no. 3 (Farvardīn 2022/1400): 65-75.

- Qurashī, ‘Alī Akbar. *Qāmūs Qurān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Shishum 1993/1371.
- Qurṭabī, Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Jāmi‘ li-Aḥkām al-Qurān*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī, Chāp-i Awwal, 1986/1364.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Tarjumah wa Taḥqīq Mufradāt Alfāz Qurān bā Tafsīr Lughawī va Adabī Qurān*. Tehran: Murtaẓavī, 1996/1374.
- Rāstgū, Kubrā; Sārā Ṭā’iriyān. "Taḥlil Ma‘nāshinākhtī Maḥmū Infāq dar Qurān-i Karīm bā Tikīyih bar Naẓariyih-yi Taḥlil Mu‘allifāh-i". *Hamāyish Biyn al-Milālī Taḥqīqāt Kārburdī dar Ḥawzah Qurān va Ḥadīth*, Shāhrūd, s.n. 2022/1400.
- Sulṭānī, Sayyid Maḥdī, "Sīmāy Infāq dar Qurān ". *Kawthar*, no. 9 (summer 2003/1382): 19-24.
- Suyūtī, ‘Abd al-Raḥmān ibn abī bakr. *al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-al-Ma‘thūr*. Qum: Kitābkhānah-yi Ḥaḍrat-i Āyat Allāh Mar‘ashī Najafī, 1984/1404.
- Ṭabarānī, Sulaymān ibn Aḥmad. *al-Tafsīr al-Kabīr (Tafsīr al-Qurān al-‘Azīm)*. Urdun: Dār al-Kitāb al-Thaqāfī, 2008/1386.
- Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifā, Chāp-i Duwwum, 1989/1367.
- Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Tarjamah Tafsīr Majma‘ al-Bayān*. Tehran: Farāhānī, Chāp-i Awwal, 1983/1361.
- Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Tarjamah-yi Tafsīr Jawāmi‘ al-Jāmi‘*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Islāmī Astān-i Quds-i Raẓavī, Chāp-i Duwwum, 1998/1377.
- Ṭabāṭabāyī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān*. translated by Muḥammad Baqir Musavī. Qum: Mū‘assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Yāzdahum, 2000/1378.
- Ṭanṭāwī, Sayyid Muḥammad. *al-Tafsīr al-Wasīṭ li-l-Qurān al-Karīm*. Cairo: Nahḍa Miṣr, Chāp-i Awwal, 1997/1418.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. *Majma‘ al-Baḥrayn*. Tehran: Maktaba Murtaẓaviya. Chāp-i Sivum, 1997/1375.
- Umīdiyān, Murtizā et al. "Naqsh Khalāqiyat, Zihn Āgāhī va ‘Amalkard Taḥṣilī bar Biḥzistī Ravānī bā Miyānjī Mushkilāt Ravānshinākhtī". *Dastāvard-hā-yi Ravānshinākhtī*, no. 2 (2017/1396): 101-116.